

علیرضا سلطانی: | تحرک دیپلماسی گازی



ایران با در اختیار داشتن ۱۸ درصد ذخایر گازی جهان، دومین کشور دارنده این منبع انرژی ارزشمند و دوستدار محیط زیست به شمار می‌آید. ذخایر گازی ایران حدود ۳۲ هزار میلیارد مترمکعب برآورد شده که فاصله‌ای ۵ هزار میلیارد مترمکعبی با روسیه به‌عنوان اولین کشور دارنده ذخایر گاز جهان دارد. به لحاظ تولید، ایران بعد از آمریکا با ۹۱۴ میلیارد مترمکعب در سال (۲۰۲۰) و روسیه با ۶۳۸ میلیارد مترمکعب، سومین کشور تولیدکننده گاز جهان با ۲۵۰ میلیارد مترمکعب به‌شمار می‌آید که فاصله معناداری با دو کشور اول و دوم دارد. آمریکا در حالی اولین تولیدکننده گاز جهان است که کل ذخایر آن حدود ۱۲ هزار میلیارد مترمکعب برآورد شده است، اما به لحاظ مصرف داخلی گاز، ایران چهارمین کشور مصرف‌کننده گاز جهان (با ۲۳۳ میلیارد) بعد از آمریکا (با ۸۳۲ میلیارد مترمکعب در سال)، روسیه (با ۴۴۴ میلیارد مترمکعب) و چین (با ۳۰۷ میلیارد مترمکعب) به شمار می‌آید. بر مبنای این آمار، آمریکا ۹۰ درصد گاز تولیدی، روسیه ۶۵ درصد و ایران ۹۱ درصد از گاز تولیدی خود را مصرف

می‌کنند. چین هم در سال نزدیک به ۱۳۰ میلیارد مترمکعب کسری تولید داخل را از خارج و عمدتاً از روسیه وارد می‌کند.

با در نظر گرفتن جمعیت و اندازه اقتصاد کشورهای آمریکا، روسیه و چین و ایران، به نظر می‌رسد مصرف داخلی گاز در ایران به تناسب تولید، از ناموزونی بالایی برخوردار است که خود از مصرف بالا و بی‌رویه آن در داخل کشور دارد. تنها ۹ درصد گاز تولیدی کشور (۲۰ میلیارد مترمکعب در سال) به دو کشور ترکیه و عراق صادر می‌شود که این با میزان ذخایر کشور تناسب ندارد. در این میان کشور قطر با تولید سالانه ۱۷۸ میلیارد مترمکعب گاز و صادرات حدود ۱۷۰ میلیارد مترمکعبی در سال، بزرگ‌ترین کشور صادرکننده به لحاظ حجم تولید و صادرات است.

اقتصاد و صنعت گاز ایران از ۳ ناموزونی بزرگ رنج می‌برد. ناموزونی نخست عدم تناسب بین حجم ذخایر گاز با حجم تولید است. ایران در حالی ۱۸ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد که سهم آن از تولید گاز در حدود ۶.۵ درصد است. ناموزونی دوم در حوزه مصرف داخلی است. ایران با داشتن یک درصد جمعیت جهان و سهم ۳ دهم درصدی از اقتصاد جهان، بیش از ۶ درصد گاز جهان را مصرف می‌کند. این در حالی است که آمریکا با ۶ درصد جمعیت جهان و سهم ۲۵ درصدی از اقتصاد جهانی، ۲۱ درصد گاز تولیدی جهان را مصرف می‌کند. چین نیز با داشتن ۱۶ درصد جمعیت جهان و سهم ۱۵ درصدی از اقتصاد جهانی، ۵.۸ درصد گاز جهان را مصرف می‌کند. این ناموزونی باعث شده که ایران بخشی از گاز مصرفی خود را وارد کند که فارغ از ملاحظات اقتصادی قابل قبول، از توجیه لازم برخوردار نیست.

ناموزونی سوم که بیشتر موضوع مورد نظر این نوشتار است، سهم ایران از تجارت جهانی گاز است. براساس تازه‌ترین گزارش BP، ایران با صادرات حدود ۱۸ میلیارد مترمکعب گاز در سال، سهمی ۱/۹ درصدی از تجارت جهانی را در اختیار دارد. این در حالی است که روسیه سهمی ۲۵ درصدی و قطر سهمی ۱۰ درصدی از صادرات جهانی گاز را در اختیار دارد. نکته قابل توجه اینکه سهم ایران از تجارت گاز به صورت LNG (که حدود ۵۱ درصد تجارت جهانی گاز را شامل می‌شود)، صفر است و کشورهای قطر، امارات عربی متحده، عمان و حتی یمن در این حوزه از ایران پیشی گرفته‌اند. واقعیت این است که ایران از منظر اقتصاد، تجارت جهانی، نظام مصرف و فناوری تولید و عرضه ال‌ان‌جی، عقبماندگی‌های مفراطی را تجربه می‌کند.

صنعت گاز ایران، بر مبنای نظام و منطق اقتصادی شکل نگرفته است. گاز با هزینه بالای تولید و فرآوری و با قیمت پایین برای مصرف داخلی عرضه می‌شود و به این دلیل مصرف آن به شدت بالاست. این مصرف بالا به طور طبیعی، ظرفیتی برای صادرات باقی نمی‌گذارد. منتها این مسئله مانع از توجه و پیشبرد طرح‌ها و اهداف صادرات گاز کشور نیست. ایران با ظرفیت بالای ذخایر گازی، سرنوشتی جز تبدیل شدن به یک قدرت صادراتی گاز ندارد. فرصت‌ها و بازارهای صادراتی نیز نامحدود نیست و باید از فرصت‌های کنونی برای بازاریابی صادراتی بهره گرفت. رقابت برای به دست آوردن بازارهای گازی به خصوص بین ایران و روسیه و برخی کشورهای گازی منطقه سخت و پیچیده است. در عین حال هزینه‌های اقتصادی تولید و انتقال چه از طریق خط لوله و چه تأسیسات ال‌ان‌جی، سنگین است. بازاریابی گازی از یک سو و جذب سرمایه برای تولید و انتقال گاز نیازمند به جریان افتادن دیپلماسی گازی در ابعاد کلان است.

از طرف دیگر ایران با مسائل و چالش‌هایی گازی در ابعاد دوجانبه و منطقه مواجه است که باید در کوتاه مدت برای آن چاره‌جویی کند. حل چالش‌های گازی با ترکمنستان و خارج کردن این چالش از بن‌بست برای بهره‌مندی از گاز این کشور در شمال و شمال شرق کشور از اولویت‌های دیپلماسی گازی است که خوشبختانه در دولت سیزدهم از تحرک خوبی برخوردار است و امیدواری برای حل مسئله بالاست. این مهم در هفته‌های آتی با توجه به مصرف زمستانی گاز باید جدی‌تر دنبال شود. مذاکره با ترکمنستان البته نباید محدود به واردات گاز از این کشور برای تأمین گاز مورد نیاز مناطق مرزی باشد، بلکه باید این مذاکرات در چارچوب طرح‌های کلان و بلندمدت انتقال و به عبارت بهتر سوآپ گاز از این کشور تعریف شود تا طرح‌هایی مانند پاپی (انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان) اهمیت و موضوعیت خود را از دست دهد. به جریان انداختن طرح صادرات گاز به پاکستان و هند هم از اولویت بالایی برخوردار است که باید در دستور کار قرار گیرد. علاوه بر این، تمدید قرارداد صادرات گاز به ترکیه با توجه به اتمام قرارداد در سال ۲۰۲۵، نیز از اهمیت زیادی برخوردار است و لازم است به طور ویژه برای نگهداشت ترکیه به عنوان یک مقصد صادراتی گاز و در صورت نیاز افزایش صادرات به این کشور تلاش شود. این رایزنی‌ها می‌تواند اهداف کلان‌تر و راهبردی‌تر یعنی انتقال گاز به اروپا در قالب طرح‌هایی مانند نابوکو را در برگیرد. حفظ و افزایش صادرات گاز به عراق در قالب دو خط لوله بغداد و بصره نیز از موضوعاتی است که باید در دستور کار دیپلماسی گاز قرار گیرد تا

عراق به عنوان مشتری پایدار گاز ایران باقی ماند.

در این میان، چالش اصلی ایران برای تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گاز، روسیه است. خط قرمز روس‌ها در مناسبات خود با ایران، تجارت گاز است که تجربه ثابت کرده مقامات مسکو با اهداف سیاسی و امنیتی، دارای کمترین انعطافی در واگذاری امتیازات گازی به ایران هستند. طبعاً اگر قرار است قرارداد همکاری بلندمدتی بین ایران و روسیه منعقد شود، موضوع تجارت گاز و بهره‌مندی ایران از بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گاز، باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته پایانی اینکه درست است ایران در حال حاضر ظرفیت اضافه‌ای برای صادرات گاز ندارد، اما دیپلماسی گازی ایران باید فعال شود تا در سال‌های آینده با تولید بیشتر گاز متناسب با ذخایر موجود، زمینه و فرصت‌های جدیدی برای صادرات گاز از طریق خط لوله و آلان‌جی فراهم شود. از فرصت امروز برای فرصت‌های گازی آینده باید استفاده شود.

علیرضا سلطانی